

جنایتی هولناک؛ اسیدپاشی کارتن خواب روی یک جوان!



جنایان بهمین ۴ رفته‌یم. او مقابل فروشگاه توقف کرد و من هم ظرف اسید را روی او خالی کردم.

وی در پاسخ به سوال قاضی ویژه قتل عمد که پرسید آیا دخترت از این ماجرا اطلاع داشت نیز گفت: نه، خبر نداشت.

متهم به اسیدپاشی جنایی ادامه داد: مدتی که فراری بودم در اطراف میدان امام حسین (ع) و در فضاهای سبز درون بزرگراه می‌خوابیدم. در پی اعتراضات این مرد کارتن خواب، وی با دستور قاضی صفری در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی مشهد قرار گرفت تا زوایای پنهان این جنایت هولناک مورد واکاوی قرار گیرد.

دخترت را تهدید می‌کند که بیا طلاق بگیر و زن من شنسو او سپس پیامک‌ها را به من نشان داد. به او گفتم‌الان دخترم کجاست؟ گفت با خواهرش برای خرید بیرون رفته‌اند!

وی ادامه داد: در این هنگام به دامادم گفتم من الان خمار هستم. او هم مقداری شیشه (موادمخدر صنعتی) برایم خرید و با هم به یکی از پاتوق‌های منطقه گلشهر رفتیم و من آنجا مواد مصرف کردم. بعد دوتا دیبه (ظرف پلاستیکی) به من داد و گفت داخل آن الکل است، اگر روی متصدی کلوب بریزی چیزی نمی‌شود. به همین خاطر دو نفری سوار موتورسیکلت شدیم و به فروشگاه «جواد-ق» در ابتدای

عرضه محصولات فرهنگی در آنجا بود. وقتی پدرزم اسید را روی سر و صورت «جواد-ق» پاشید، بلافاصله بر ترک موتورسیکلت پرید و من او را از آن محل فراری دادم و خودم به خانه بازگشتم که توسط نیروهای کلاتری خواجه ربیع دستگیر شدم.

در پی اعتراضات این جوان متهم به اسیدپاشی، تحقیقات گسترده نیروهای انتظامی با راهنمایی و دستورات محرمانه قاضی صفری برای دستگیری مرد کارتن خواب آغاز شد. اما بررسی‌های اولیه نشان داد که او جا و مکان مشخصی ندارد و شب‌ها را در پاتوق‌های مختلف بافضاهای سبز به صبح می‌رساند.

اینگونه بود که گروه ویژه از افسران زبده‌دهنده تجسس به سرپرستی ستوان یکم سید قطبی (رئیس تجسس کلاتری خواجه ربیع) با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین پلیسی و تجربیات جنایی مقام قضایی وارد عمل شدند و در چند شاخه اطلاعاتی و عملیاتی تحقیقات خود را ادامه دادند تا اینکه بعد از گذشت بیش از ۳ ماه از این جنایت تکان‌دهنده، نیروهای کلاتری خواجه ربیع دوم تیرماه جاری موفق شدند «غلامرضا-م» کارتن خواب ۵۷ ساله را در یکی از پاتوق‌های معروف مواد مخدر شناسایی و دستگیر کنند.

این مرد می‌نماید که در شعبه ۲۰۸ ویژه پرونده‌های جنایی در برابر قاضی دکتر مصداق صفری قرار گرفته‌سود. درباره این جنایت وحشتناک گفت: اسیدپاشی را قبول دارم اما دامادم مرا فریب داده بود و من تصور می‌کردم درون ظرف پلاستیکی «الکل صنعتی» است.

این مرد کارتن خواب همچنین درباره چگونگی وقوع این جنایت دلخراش ادامه داد: آن روز در حال جمع‌آوری ضایعات بودم که دامادم نزد من آمد و گفت صاحب کلوب (سی‌دی فروشی) مدام

بنابر این گروه عملیاتی افسران دایره تجسس با هدایت مستقیم سرهنگ روح... شجاعی (رئیس کلاتری خواجه ربیع) و با کسب مجوزهای قضایی، رصدهای اطلاعاتی را ادامه دادند و در نهایت موفق به شناسایی منزل متهم مذکور شدند. دقایقی بعد جوان موتورسوار در یک عملیات ضربتی دستگیر شد و در حالی به کلاتری انتقال یافت که تلاش کادر درمانی برای نجات جوان ۳۲ ساله به نتیجه نرسید و او بر اثر عوارض وحشتناک اسید جان سپرد.

این‌گونه بود که معماری پیچیده این پرونده جنایی روی میز قاضی ترتیب تحقیقات این ماجرای تکان‌دهنده رنگ جنایی به خود گرفت. در همین حال «احمد-ح» (متهم دستگیر شده) که مقابل میز عدالت ایستاده بود، درباره چگونگی این حادثه وحشتناک گفت: از مدتی قبل به رفت و آمدهای همسرم و ارتباط او با متصدی فروشگاه خدمات رایانه‌ای مشکوک شده بودم. احتمال می‌دادم که روابطی خیانت‌آلود بین آن‌ها وجود دارد. از طرفی وقتی به پیامک‌هایی دست یافتم که بین همسرم و متصدی فروشگاه رد و بدل شده بود، دیگر نتوانستم این خیانت را تحمل کنم. به همین خاطر نزد پدرزم رفتم که یک معناد سابقه‌دار و کارتن خواب است. ماجرای پیامک‌ها و روابط خیانت‌آلود همسرم را برای پدرزم بازگو کردم و سپس از او خواستم در یک ماجرای اسیدی از متصدی فروشگاه انتقام بگیرم.

متهم ایسن پرونده جنایی در ادامه اعتراضش به قاضی دکتر صادق صفری گفت: روز حادثه نیز پدرزم در حالی که ظرف حاوی اسید را در دست داشت، سوار موتورسیکلت شد و من او را در نیمه شب به ابتدای خیابان بهمین ۴ برده‌م؛ جایی که فروشگاه خدمات رایانه‌ای و

گروه حوادث – مرد کارتن خوابی که به اتهام اسیدپاشی منجر به قتل تحت تعقیب پلیس بود، دستگیر شد و در اعتراضات تکان‌دهنده از زوایای این جنایت هولناک پرده برداشت.

بامداد بیست‌وششم اسفند ۱۴۰۲ در تقویم زمستانی ورق خورده بود که در دل شبی سه‌جوان موتورسوار در ابتدای خیابان بهمین ۴ منطقه خواجه ربیع توقف کرد. در همین هنگام ناگهان مرد میانسانی که ظرف پلاستیکی حاوی اسید را در دست داشت، به سرعت از ترک موتورسیکلت پایین پرید و زیر نور چراغ‌های خیابان وارد فروشگاه خدمات رایانه‌ای شد. متصدی فروشگاه روی صندلی پشت میز لم داده و با گوشه‌ای تلفن خود مشغول بود که در یک لحظه مرد میانسال ظرف اسید را روی متصدی فروشگاه پاشید و سراسیمه از فروشگاه خارج شد. او بلافاصله بر ترک موتورسیکلت پرید و جوان موتورسوار هم گاز آن را فشرد و در تاریکی شب گم شد.

از سوسوی دیگر، متصدی ۳۲ ساله که از شدت سوزش و دردهای وحشتناک اسیدپاشی به خود می‌پیچید، با فریادهای دلخراش خود، کسبه و اهالی محل را متوجه ماجرای تکان‌دهنده کرد. طولی نکشید که با تماس‌های اهالی، امدادگران اورژانس از راه رسیدند و پیکر نیمه‌جان جوان ۳۲ ساله را به بیمارستان امام رضا (ع) انتقال دادند. در حالی که تلاش کادر درمانی بخش سوختگی بیمارستان برای نجات «جواد-ق» از مرگ ادامه داشت، گروه تخصصی نیروهای تجسس کلاتری خواجه ربیع مشهد نیز برای تحقیق درباره این ماجرای هولناک وارد عمل شدند. بررسی‌های اولیه نیروهای انتظامی بیانگر آن بود که جوان موتورسوار در همان محدوده محل ارتکاب جرم، اقامت دارد.

سرگذشت غم‌انگیز زنی که گرفتار عشق پوشالی شد

بودند. مادر شوهرم در هر فرصتی تصاویر دخترانی را به «سیروس» نشان می‌داد که برای خرید به فروشگاهش می‌رفتند. او چنان از زیبایی آن دختران برای تحقیر من استفاده می‌کرد که گاهی خودسیروس هم خجالت می‌کشید. خلاصه این رفتارهای توهمین آمیز به جایی رسید که دیگر روابط عاطفی سردی بین من و سیروس حکم فرامشد. حلال‌دیگر همسر به خاطر هر موضوع کم‌اهمیتی مدت‌ها با من قهر می‌کرد حتی به تلفن‌هایم پاسخ نمی‌داد. با آن که من این اختلافات رفتاری را از خانواده‌ام پنهان می‌کردم ولی آن‌ها در جریان سردی روابط مافزار گرفته بودند و قصد داشتند با سیروس صحبت کنند اما ناگهان با رفتار تند و پر خاشاک‌گری‌های سیروس روبه‌رو شدند و کار به مشاجره کشید.

در این میان همسرم چندبار از خانواده‌ام نیز شکایت کرد که در نهایت با کمک مشاور کلاتری، به‌آشتی انجامید. اما آخرین باری که وارد کلاتری شدیم، همسرم ادعا کرد اگر من مهریه‌ام را با بخشش او هم به زندگی مشترک ادامه می‌دهم! این همان جمله‌ای بود که ماندنم تک‌برسر فرود آمد و تازه فهمیدم که در انتخابم اشتباه کرده‌ام و باید مشاوره قبل از ازدواج را جدی می‌گرفتم. اکنون نیز خانواده سیروس در حالی مرا متهم به بیماری روانی می‌کنند و بر طبل طلاق می‌کوبند که تازه فهمیدم با طنباب پوسیده عشق هیچ‌جانی به چاهی عمیق افتاده‌ام که آینه‌ام را به نابودی کشانده است. اما آنی کاش... با دستور سرهنگ ابراهیم خواجه پور بررسی‌های مشاوره‌ای برای گروه گمنامی از این ماجرای تاسف‌بار در دایره‌مددکاری اجتماعی آغاز شد.

گروه حوادث – روزی که از طریق یکی از دوستان خواهرم با «سیروس» آشنا شدم، دیگر نفهمیدم چگونه به او دل باختم. با آن که من دانستم همسر «سیروس» برای گرفتن طلاق، مهریه اش را بخشیده است ولی با طنباب پوسیده عاشقی درون چاهی افتادم که...

زن ۳۲ ساله که مدعی بود خانواده شوهرم مرا بیمار روانی می‌خوانند، با ابراز تأسف از این که مشاوره قبل از ازدواج را جدی نگرفته است، درباره سرگذشت خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلاتری نجفی مشهد گفت: از همان دوران کودکی همواره مورد توجه پدرم بودم به گونه‌ای که مرا با اسمی خود ساخته‌اش مانند گل سرسبد و «آلبالو» صدایم زد و من این ارتباط پر از مهر را خیلی دوست داشتم تا این که در ۱۹ سالگی پدرم را از دست دادم و بی‌کس و تنها شدم. هنوز یک سال از این ماجرا نگذشته بود که روزی از طریق یکی از دوستان خواهرم با سیروس آشنا شدم و خیلی زود به او دل باختم. عشق به سیروس مرا از افکار تنهایی بیرون کشید و من همه آرزوهایم را به ازدواج بسا و او گره زدم. در حالی که ۴ ماه به طور پنهانی با یکدیگر رابطه داشتیم، او از ازدواج ناچار خود برایم سخن گفت و مدعی شد همسرش را به خاطر «خیانت» طلاق داده است اما هیچ‌گاه پیگیری این موضوع نشدم پس چرا همسرش همه مهره‌اش را برای گرفتن طلاق بخشیده است!

خلاصه من و «سیروس» در حالی پای سفره عقد نشستیم که تازه متوجه شدم خانواده او با این ازدواج به شدت مخالف

نیازمندی‌ها

تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ – ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶) سایت: www.eghtesad-kish.ir

نیازمندی‌های روزانه جزیره کیش



خدمات



مفقودی



اپلیکیشن خدماتی



استخدام

خدمات برق

انجام کلیه امور برق ساختمان و پروژه های شما - کلی و جزئی
۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸

اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۷۲۲۰۸/۰۱
به نام مهتری عسگری حسونند مفقود گردیده
و از درجه اعتبار ساقط می باشد .



دوستم

اپلیکیشن خدماتی کیش
غذا، مارکت، خرید، دلیوری و...
www.Dustam.com
۰۹۹۶۶۷۷۳۴۳۷

دعوت به همکاری

بازاریاب امور بیمه ای



خیاطی

اصل کارت کیشوندی به شماره ۲۴۸۴۹۳/۰۱
به نام آراد حسین زاده مفقود گردیده
و از درجه اعتبار ساقط می باشد .



درب اتوماتیک

مراجعة خدماتی سعدی طبقه اول

غرفه ۲۲، بیمه تعاون

خیاطی حبیبی

بازار پانیز - طبقه اول - غرفه ۱۲۱
۰۹۳۶۸۱۳۷۷۸۸



پیرایشگاه

درب های اتوماتیک

دارکوب

۰۹۱۲۹۴۲۴۰۲۲

استخدام

نیروی خدماتی خانم / آقا

مراجعة حضوری
دفتر روزنامه



ساختمان

پیرایش علیرضا

ارائه جدیدترین متد روز
خدمات پوست و مو آقایان



حمل بار

روزنامه اقتصاد کیش استخدام می کند

خانم مسلط به شبکه های اجتماعی

و فضای مجازی

تعمیرات و تأسیسات منزل

لوازم آشپزخانه آب - برق

۰۹۱۷۹۷۵۷۲۳۰ خاکساری

نشانی: جزیره کیش، فاز A، پارک
مینا، مجتمع خدماتی پارسیان، غرفه ۱۵
۰۹۱۲۸۶۳۹۱۷۹ - ۰۹۳۴۷۶۸۳۱۷۹

حمل بار

به تمام نقاط جزیره
۰۹۱۷۹۸۵۰۵۷۱

برای فعالیت و مدیریت گروه ها

تلفن هماهنگی:

۴۴۴۲۰۲۸۴

صنایع چوب

حلاج کیش

کلیه سفارشات
MDF، چوبی
دکوراسیون غرفه و منزل
تلفن: ۷۷۹۸۲۵۲